

روند فقر در ساختارهای "اقتصاد تبعیض‌گرا"

دکتر غلامحسین عبیری

مقدمه

واژه فقر در فرهنگ لغات فارسی، با دو معنا به کار رفته است: "درویشی" و "تنگدستی". فقر در مفهوم اول مترادف با بی‌اعتنایی به امور مادی است و در مفهوم دوم مترادف با تهیدستی، و همین مفهوم دوم منظور نظر این مقاله است^(۱). اما در زبان انگلیسی، واژه Poverty به موقعیتی اطلاق می‌شود که فرد یا افراد نیازهای مادیشان برآورده نمی‌شود و حیاتشان با تهدید روبرو است^(۲). از دیدگاه اقتصادی هم پایین بودن درآمد سرانه، و عدم کارایی فرد در نظام اقتصادی زمینه فقر را فراهم می‌کند و خط فقر (Poverty Line) نیز تعیین‌کننده موقعیت افرادی است که درآمدی اندک دارند و جامعه آنان را فقیر یا تهیدست بشمار می‌آورد.

در برخی از کشورهای در حال توسعه مانند ایران که بیش از سه دهه تورم دورقمی را تجربه کرده‌اند، به تدریج افراد بازنشسته به زیر خط فقر هدایت شده‌اند و امروز آنان تهیدست تلقی می‌شوند، اما این وضعیت تنها شامل حال طبقه بازنشسته نشده و تازه‌واردان به محیط کار و اجتماع نیز با تهدید "فقر" روبرو هستند، به‌ویژه در شرایط ایران که الگوی مصرف تظاهرآمیز نیز این فرایند را با پیچیدگی بیشتری روبرو کرده است.

از سوی دیگر، برنامه‌های تامین اجتماعی نیز به علت افزایش جمعیت و بالا رفتن سطح مرگ‌ومیر،

کفایت لازم را ندارد و افزایش بیکاری هم فشار مضاعفی است که خانواده‌ها را به سرعت به سمت خط فقر هدایت می‌کند. گفتنی است که در خصوص ایران، عدم دسترسی به سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی نیز بر حجم بحران افزوده است. بنابراین، در این نوشتار سعی خواهد شد تا روند فقر مورد بررسی قرار گیرد. اما نکته جایزه‌میت در این مطالعه، همانا توجه به "ساختارهای اقتصاد تبعیض‌گرا" است که قربانیان بیشتری دارد و راه‌گریز از بحران نیز به سهولت یافت نمی‌شود. این مطالعه هشدار می‌دهد که کارگزاران سیاسی، که در هدایت سیاست‌های مالی و پولی بدین نکته توجه کامل مبذول دارند.

در ساختار اقتصادی ایران، اولین تبعیض مربوط به طبقات دریافت‌کننده رانت‌های اقتصادی در سال‌های قبل از انقلاب، در مقایسه با طبقات نوینی است که جای آنها را گرفته‌اند. اقتصاد بازار از گروه اول و اقتصاد دولتی از گروه انقلابی حمایت می‌کند.

رویکرد تبعیض

کشورهای صنعتی در مسیر دستیابی به اثربخشی بیشتر، ساختار اقتصاد مبتنی بر بازار را از طریق حمایت بر مبنای قانون "پرداخت برابر" (Equal

Pay) تعریف و بازنگری می‌کنند. مقررات مربوط به پرداخت برابر در ایالات متحده (۱۹۶۳) رویکرد پرداخت مساوی به زن و مرد است و هرگونه تبعیض علیه زنان و اقلیت‌های قومی را مردود می‌شمارد. با وجود این، مطالعات Jane Weldfogel (۱۹۹۸) نشان می‌دهد که زنان معادل هفتاد و پنج درصد مردان دستمزد دریافت می‌کنند^(۳). این نسبت در مورد بریتانیا هفتاد و دو درصد و در مورد ژاپن تنها پنجاه درصد است. کمترین تبعیض در سوئد گزارش می‌شود که زنان در مشاغل یکسان، معادل نود درصد مردان دستمزد دریافت می‌کنند.

لازم به یادآوری است که قوانین بریتانیا در سال ۱۹۷۰ در خصوص پرداخت برابر، مفهوم Equal Work را نیز مورد توجه می‌دهد. از سوی دیگر، شکاف دستمزد بین مردان و زنان منعکس‌کننده تفاوت‌های شغلی، میزان ساعات کاری و سیاست‌های ارتقا در بنگاه‌های اقتصادی است.

آنچه نگرش تبعیض را در ساختار اقتصادی نهادینه می‌کند، شامل عوامل زیر است:

- الف) اثبات حقانیت برای پرداخت‌های متفاوت.
- ب) چگونگی ارزیابی مشاغل.
- پ) تفاوت در اثر جنسیت و ارزیابی مشاغل.
- ت) سلطه زنان در اشغال بخش قابل توجه مشاغل خدماتی.
- ث) فضای مقایسه و معضلات مربوط به آن.

کار یکسان به مفهوم برابری مهارت، تلاش یکنواخت، مسوولیت‌پذیری و شرایط کاری مشابه است. در این فرایند، ارزیابی مشاغل از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و اصطلاح "جبران" (Remuneration) به مفهوم حداقل دستمزد و سایر پرداخت‌ها به کار برده می‌شود. Eyraud (۱۹۹۳) در تحقیقات سازمان بین‌المللی کار (ILO) نگرش جامعی به این موضوع دارد.

در ساختار اقتصادی ایران، اولین تبعیض مربوط به طبقات دریافت‌کننده رانته‌های اقتصادی در سال‌های قبل از انقلاب، در مقایسه با طبقات نوینی است که جای آنها را گرفته‌اند. اقتصاد بازار از گروه اول و اقتصاد دولتی از گروه انقلابی حمایت می‌کند. این دو طبقه تحت‌عنوان "خودی و غیرخودی" پایه‌های تبعیض را طرح‌ریزی کرده‌اند. خودی‌ها، بر مبنای رانت‌پذیری (Rent Seeking) به تعامل با ساختارهای اجتماعی - اقتصادی می‌پردازند و غیر خودی‌ها هم بر مبنای فرصت‌طلبی‌های بازار در مرحله انتقال، درآمد خود را بیشینه می‌کنند. هر دوی این طبقات، زمینه تبعیض و عدم تعادل نسبت به سایر طبقات را اکه‌ارتباطات محدودتری دارند، فراهم می‌آورند.

این وضعیت در واقع، برخلاف نگرش مارکس است که طبقات حاکم خرده‌بورژوا در مقابل طبقات کارگر و کشاورز قرار می‌گیرند.

درواقع، در شرایط ایران، صف‌آرایی‌ها متفاوت بوده و اولین رویارویی مربوط به طبقات حاکم در دو عصر قبل و بعد از انقلاب اسلامی است. طبقات حاکم متکی بر ایدیولوژی غالب، با انتخاب جهت‌گیری‌های سیاسی و سیاست‌های

اشتغال، زمینه تبعیض را به نفع خود مهیا می‌سازند و کاستی‌ها را هم از طریق ارتشا جبران می‌کنند. برعکس، طبقات مغلوب در مسیر "انقلاب" با بازیافت فرصت‌های ازدست‌رفته، تبعیض‌های موجود در آموزش یا بازار نیروی کار را از طریق نرخ بهره سرمایه‌های فرصت‌طلب جبران نموده، شرایط مطلوب اقتصادی را برای خود فراهم می‌آورند. بدیهی است که این رویارویی، با افزایش شکاف بین طبقات متوسط و کم‌درآمد موجب گسترش فقر به محیط‌های حاشیه‌نشین شهرها و مناطق محروم و بخش روستایی می‌شود. افزایش دارایی‌های ثابت مانند



② عدم مشارکت مردم در مناطق محروم، ناشی از وجود تبعیض در سطح گسترده است.

مسکن، معافه‌داری و خدمات نیز در عمل باعث تزلزل در خانواده‌های کم‌درآمد شده است.

علل فقر

در خصوص علل فقر طبقه‌بندی‌های مختلفی مطرح شده است. یکی از دیدگاه‌های قابل توجه، طبقه‌بندی Schiller (۲۰۰۱) می‌باشد. Schiller عوامل زیر را در فراهم‌شدن فقر موثر می‌داند (۵):

- ۱- ابعاد و ساختار خانواده.
- ۲- تعلقات فرهنگی و نژادی.
- ۳- تبعیض در آموزش.
- ۴- تبعیض در بازار کار.

۵- وضع آموزش و توانایی‌های فردی.

۶- سن و وضعیت تدرستی.

۷- شرایط کاری.

۸- مشارکت نیروی کار.

ملاحظه می‌کنید که هیچیک از عوامل فوق به‌طور کامل در کنترل دولت نیستند و برای حل معضل فقر، یک تغییرنگرش کلی برای جوامع لازم است. برای مثال، در استان‌های محروم ایران مانند سیستان و بلوچستان یا ایلام یا سایر استان‌های مشابه، فرهنگ و نگرش به آموزش در بین اکثریت مردم آنقدر ضعیف است که عوامل طبیعی مانند آب و زمین از یکسو، و عوامل محیطی مانند امکانات مادی از سوی دیگر، به سهولت زمینه فقر را فراهم می‌کنند و مردم هم به راحتی گوشه‌نشینی را برمی‌گزینند. برنامه‌های دولت در خصوص رفاه عمومی، بیمه اجتماعی، سیاست‌های اشتغال‌زایی و یا سیاست‌های ایجاد فرصت نیز در عمل کارایی خود را از دست می‌دهند.

عدم مشارکت مردم در مناطق محروم، ناشی از وجود تبعیض در سطح گسترده است: بازار کار در مقابل سیاست اشتغال با تبعیض روبرو است، بازار سرمایه به‌طور طبیعی کارایی ندارد و تزریق اعتبارات عمرانی دولت هم تنها در جهت حفظ وضع موجود و جلوگیری از طغیان‌های اجتماعی موثر است. بازار کالاها و خدمات نیز صرفاً یک بازار مصنوعی است که یا از حوزه قاچاق تغذیه می‌شود، یا با کالاهای یارانه‌ای اشباع می‌شود. بازار اطلاعات نیز معمولاً یک بازار ناقص و ناکارآمد است.

همانطور که Schiller اشاره می‌کند، شرایط کاری نامناسب است و نیروهای کارآمد، آماده خدمت در مناطق محروم نیستند و دیر یا زود این نیروها یا در فرایندهای عقب‌ماندگی قرار می‌گیرند و توان خود را

در کشورهای در حال توسعه، اگر ساختارها تن به اصلاحات ندهند، در درازمدت "رویه‌های تبعیض‌گرا" نظام اجتماعی را با بحران روبرو خواهند ساخت.

بازار کار در مقابل سیاست اشتغال با تبعیض روبرو است، بازار سرمایه به‌طور طبیعی کارایی ندارد و تزریق اعتبارات عمرانی دولت هم تنها در جهت حفظ وضع موجود و جلوگیری از طغیان‌های اجتماعی موثر است.

از دست می‌دهند و یا ناخواسته تسلیم مهاجرت‌های اجباری می‌شوند.

با وجود مشاهده سخت‌کوشی در برخی از لایه‌های اجتماعی برای دستیابی به شرایط بهتر و ارتقای سطح رشد، اما در عمل این سخت‌کوشی تنها به بخش اندکی از کارگزاران سیاسی - فرهنگی محدود می‌شود و چنین است که طی نیم قرن اخیر، هیچ نشانه‌ای از بهبود شرایط عمومی دیده نشده است. برای مثال، اگر یک طرح عمرانی در تهران - پایتخت کشور یا مرکز تصمیم‌گیری‌های کلان جامعه - با دو برابر زمان واقعی انجام کار روبرو است، طرح‌های عمرانی مشابه در نقاط محروم با چهار برابر زمان واقعی کار روبرو هستند.

معضل ارتباطات در مناطق محروم هم باعث شده است که از عامل ارتباطات نتوان برای حل مشکلات بیکاری بهره‌برداری درست کرد. بزرگ‌شدن شهرها و عدم کارایی نهادهای اجتماعی در برقراری ارتباطات باعث شده است که با وجود نیاز به اشتغال نیروی کار، در عمل بازار کار فاقد پتانسیل لازم برای کارایی است و این بدان معنی است که عرضه و تقاضا به اتفاق مسیر دستمزد و کار را تعیین نمی‌کنند. وجود تبعیض در بازار کار هم فضای ارتباطات را مسموم ساخته و ارتباطات را به جای اثربخشی در یک نظام اجتماعی موثر و مفید، با فرصت‌طلبی بیشتر هم‌بستر کرده است.

مشاهدات و بررسی‌ها نشان می‌دهند که هنوز ابعاد ساختار خانواده مهمترین عامل فقر در جوامع است و تلاش برای کوچک‌سازی ابعاد خانواده نیز با ناکامی روبرو است.

روند روبه‌افزایش فقر در برخی از کشورهای

در حال توسعه، تقاضا برای بهبود کیفی

تصمیم‌گیری‌های کارگزاران سیاسی را

افزایش می‌دهد.

بازار کار

بازار کار از منظر ساختارهای تبعیض‌گرا، سه محور را مورد توجه قرار می‌دهد:

(الف) فرهنگ خانواده.

(ب) نظام‌های قانونگذار.

(پ) فضای تعاملی.

Vroom (۲۰۰۴) واژه Age-Culture را برای فرهنگ خانواده به کار می‌برد و هدف از این امر را اشاره به موضوعات زیر می‌داند^(۶):

۱- اصل ارشدیت.

۲- رابطه کار و سن.

۳- ارزش‌ها و ایده‌آل‌ها.

در مقابل واژه Age - Programmes را برای نظام‌های قانونگذار به کار می‌برد و منظور هم توجه به مسائلی زیر است:

۱- مداخله مثبت.

۲- بهبود شرایط کار.

۳- توسعه امر آموزش بزرگسالان.

همچنین از عبارت Actor - Constellation

برای توصیف فضای تعاملی بهره‌برداری می‌شود و اشاره به مبانی زیر می‌کند:

۱- اتحادیه‌های کارگری.

۲- دیوانسالاری دولت.

۳- بنگاه‌های اقتصادی بخش خصوصی.

با این طبقه‌بندی، حضور و عدم حضور، و ورود و خروج نیروی کار به بازار تعیین شده و کیفیت زندگی مادی و معنوی شهروند در بازار کار مشخص می‌شود. ملاحظه می‌کنید که با این توصیف، وجود رابطه بین دولت و خانواده، وحدت رویه بین نسل‌ها را موجب می‌شود.

اینک این پرسش‌ها مطرح می‌شود که چه کسانی در بهبود این شرایط نقش بازی می‌کنند؟ چرا ساختار اقتصادی به سمت تبعیض متمایل می‌شود؟ در چه مرحله‌ای این گرایش متوقف می‌شود؟ و چگونه در عمل می‌توان خوب و بد بودن را ارزیابی کرد؟

با توجه به مفهوم قانون و مقررات این نکته آشکار می‌شود که مقررات با رفتار مردم تفاوت ماهوی دارد. حال اگر دولت در تنظیم دستورالعمل‌ها و مقررات نیز ضعف داشته باشد و به دلایل مختلف تن به رویه‌ها (Soft State)^(۷) بدهد و ارتشا را هم پذیرا شود، آنگاه طبیعی است که تبعیض ابعاد گسترده‌تری خواهد یافت و در نهایت شکاف طبقات مرفه و فقیر را زیادتر می‌شود.

به‌طور ضمنی، می‌توان پذیرفت که در کشورهای در حال توسعه، اگر ساختارها تن به اصلاحات ندهند، در درازمدت "رویه‌های تبعیض‌گرا" نظام اجتماعی را با بحران روبرو خواهند ساخت. در این زمینه تجربه‌های گسترده‌ای را در طول تاریخ امپراتوری‌های بزرگ

شاهد هستیم که با فروپاشی روبرو شده‌اند، اما هنوز دولتمردان از تاریخ درس نگرفته‌اند.

فضای تعاملی اتحادیه‌های کارگری برای رهایی از فقر، دیوانسالاری دولت برای حل بحران فقر از طریق اشتغال‌زایی و بنگاه‌های اقتصادی بخش خصوصی در جهت سود حداکثر، تعارض خاصی را در جهان سوم به‌وجود آورده و غالب نظام‌های سیاسی با اشکال مختلف حکومتی نیز کمتر توانسته‌اند بر معضل فقر غلبه کنند.

بلایای آسمانی هم از جمله مخاطراتی هستند که این جوامع با آنها روبرو می‌باشند. برای مثال، از پنجاه‌وسه بلای آسمانی مانند زلزله و سیل و... چهل‌وهشت مورد آن در ایران دیده شده است. تجربه زلزله پنجم دیماه ۱۳۸۲، هم از جمله تجربه‌های تلخی است که هزاران نفر را به محیط فقر کشاند.

دولت می‌تواند با ارتقای سطح کیفی

خدمات و اجباری نمودن استانداردهای

کیفی و کنترل و هماهنگی با نهاد خانواده،

روند گسترش فقر را متوقف سازد.

تحقیقات گالوپ

مرکز مطالعات Gallup در یک بررسی میدانی در حوزه فقر در سال ۱۹۹۹ آمریکا سه پرسش زیر را مطرح می‌کند: اول، چرا برخی از مردم در فقر زندگی می‌کنند؟ در پاسخ به این پرسش ۴۳ درصد معتقد بوده‌اند که "عدم تلاش" (Lack of Effort) مهمترین علت این مساله است؛ ۴۱ درصد معتقد بوده‌اند که محیط غیرقابل کنترل نقش اول را بازی می‌کند و ۱۶ درصد هم هر دو یا هیچکدام را ذکر کرده‌اند.

پرسش دوم می‌گوید: چه کنیم که ثروتمند شویم؟ در این مورد، ۵۳ درصد پاسخ‌دهندگان تلاش زیاد (Strong Effort)، ۳۲ درصد محیط غیرقابل کنترل و ۱۵ درصد نیز هر دو یا هیچکدام را پاسخ داده‌اند.^(۸) این تحقیق نشان می‌دهد که توجه به نقش فرد، بخش قابل توجهی از رفتارهای انسانی معطوف به فقر یا ثروت را رقم می‌زند.

این مرکز مطالعاتی در پرسش سوم خود می‌خواهد که پاسخ‌دهندگان توضیح دهند که به چه طریقی دولت‌ها می‌توانند به افراد فقیر کمک کنند؟

موسسه گالوپ: چگونه دولت می تواند به فقرا کمک کند؟

ردیف	کمک پیشنهادی	درصد پاسخ دهندگان
۱	آموزش بهتر	۳۸
۲	مهارت‌های بیشتر	۲۹
۳	اشتغال بیشتر	۱۶
۴	کمک‌های مالی	۱۲
۵	خانه‌سازی	۱۱
۶	برنامه‌های پوشش بهداشت	۱۰
۷	مراقبت از فرزندان	۷
۸	برنامه‌های اجتماعی بهتر	۶
۹	کاهش مالیات	۵
۱۰	مشاغل بهتر	۳
۱۱	فرصت‌سازی بیشتر	۳
۱۲	افزایش حداقل دستمزد	۲

جایگاه دولت

۳۵ میلیون نفر فقیر ارزیابی شده‌اند که حدود ۳/۳ میلیون نفر از آنها افراد بالای ۶۵ سال و ۱۳/۴ میلیون نفر زیر ۱۸ سال بوده‌اند، و بقیه هم بین سن ۱۸ تا ۶۵ قرار داشته‌اند. مرکز آمار ایالات متحده همچنین اعلام داشته است که از ۱۹۴ میلیون جمعیت سفیدپوست، تعداد ۱۶ میلیون فقیر بوده‌اند، در حالی که از جمعیت ۳۵ میلیونی فقیر، معادل نه میلیون نفر سیاه‌پوست بوده‌اند و بقیه آسیایی‌ها و سایر اقوام دیگر (U.S. Bureau of the Census - 1998)^(۹).

روند روبه‌افزایش فقر در برخی از کشورهای در حال توسعه، تقاضا برای بهبود کیفیت تصمیم‌گیری‌های کارگزاران سیاسی را افزایش می‌دهد. این بدان معنی نیست که در گذشته تصمیم‌های ساده‌لوحانه گرفته شده، بلکه نشان‌دهنده این واقعیت است که کار کارشناسی بیشتری لازم است. برای مثال، به سهولت قانع می‌شویم که دولت‌ها با افزایش "حداقل سطح دستمزد" می‌توانند به طبقات کم‌درآمد کمک کنند، اما در سطح کلان مشاهده می‌کنیم که تنها دو درصد پاسخ‌دهندگان به نظرخواهی گالوپ در ایالات متحده، این تصمیم را مفید ارزیابی می‌کنند. برعکس، ۳۸ درصد از این گروه آزمایشی، آموزش با کیفیت بالاتر را در روند کمک به طبقات ضعیف یا کم‌درآمد موثر دانسته‌اند. اما حداقل تجربه و مشاهدات ساختار اقتصاد ایران گویای این واقعیت است که با وجود افزایش سریع دانشجویان با نرخ رشد دورقمی در دو دهه گذشته، باز هم شاهد کاهش فقر در جامعه ایران نیستیم. همچنین سیاست "افزایش حداقل دستمزد" در دولت آقای احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور فعلی ایران هم چندان روشن نمی‌کند که تا چه اندازه شکاف درآمدی طبقات مختلف کاهش یافته است، و حتی به سهولت نمی‌توان پذیرفت که این سیاست منجر به کاهش فقر هم شده باشد. لازم به یادآوریست که دولت‌ها در شرایطی می‌توانند به کمک طبقات کم‌درآمد بشتابند که فضای تعاملی بین فرهنگ خانواده و نظام‌های قانونگذار به‌درستی تعریف شود. این فضا شامل تقویت اتحادیه‌های کارگری، کاهش ابعاد دولت و تقویت بخش خصوصی می‌شود. این که از کجا باید شروع

جدول بالا نشان‌دهنده پاسخ‌های شهروندان آمریکایی به این سوال است.

توجه خواهید داشت که جمع درصد به علت تعدد جواب‌ها بیشتر از صد است، اما در عین حال، توجه داشته باشید که به عقیده آمریکاییان، افزایش حداقل دستمزد، کمترین تاثیر را بر زندگی مردم فقیر داشته و بالاترین سهم تاثیرگذاری به امر "آموزش بهتر" اختصاص یافته است. همچنین، ۶۷ درصد پاسخ‌دهندگان برای رفع بحران فقر، آموزش و تعلیم مهارت‌ها را کلیدی‌ترین راه‌حل‌ها دانسته‌اند. از سوی دیگر، ۴۹ درصد آنان محورهای اقتصادی را عامل رویارویی با فقر دانسته‌اند و اشتغال‌زایی، کمک مالی، خانه ارزان و مراقبت‌های بهداشتی را مورد توجه قرار داده‌اند. نکته حایز اهمیت در مورد کاهش مالیات‌ها است که تنها پنج درصد از پاسخ‌دهندگان برای کمک به فقرا بر آن مهر تایید گذاشته‌اند.

لازم به یادآوریست که پنج درصد مردم جهان در آمریکا زندگی می‌کنند و این جمعیت بیست درصد کل تولیدات جهان را عرضه می‌کند. مردم آمریکا به ازای هر پانصد نفر یک پزشک در دسترس دارند، در حالی که مردم اتیوپی به ازای هر ۸۸ هزار نفر یک پزشک دارند. متوسط طول عمر یک آمریکایی ۷۶ سال و در اتیوپی تنها ۴۸ سال است. در آمد سرانه هر آمریکایی نیز حدود سی‌هزار دلار در سال است، در حالی که در برخی از نقاط دنیا درآمد سرانه به سختی به شش دلار در روز می‌رسد. با وجود این، فقر در آمریکا هم وجود دارد و نرخ آن ۱۲/۷ درصد است. به عبارت دیگر، از جمعیت ۲۷۱ میلیونی آمریکا در سال ۱۹۹۸، حدود

نمود، پرسش واقع‌بینانه‌ای نیست، زیرا با اصل جامع‌نگری در تضاد است. لذا توصیه می‌شود که موضوع از ابعاد مختلف مورد توجه قرار گیرد و از سیاست‌های مالی و پولی در جهت مهار تورم بهره‌برداری شود. توجه خواهید داشت که تورم به مفهوم کاهش قدرت خرید توده مردم است و نمی‌توان تاثیر آن را بر گسترش فقر نادیده گرفت.

اما رویکرد تبعیض در درازمدت به یک عادت فرهنگی تبدیل شده و انتظارات تبعیض‌آمیز به رفتارهای کارگزاران تعمیم می‌یابد. به عبارت دیگر، گرایش به تبعیض یک عامل مثبت تلقی می‌شود و مردم با این رفتار سوء، نظام اجتماعی را با تهدید روبرو می‌سازند. نمونه‌های گسترده‌ای از این رویکرد و رفتار نامناسب به دفعات در اقصای مختلف قابل‌رویت است. پوشش حقوقی محرمانه، استخدام‌نورچشمی‌ها، ارزیابی‌های غیر استاندارد، چشم‌پوشی از خطاها و ده‌ها مورد دیگر از اینگونه افعال، امروزه مانع حرکت‌های سازنده در دولت و ساختار اقتصادی می‌شوند.

Callon (۱۹۹۸)^(۱۰) سیاست را در ساختار حکومت از دو منظر مورد توجه قرار می‌دهد: اول، مبتنی بر تلاش و مذاکره بین طبقات، منافع و جنبش‌های اجتماعی و دوم، متمرکزشدن سیاست روی هویت (Identity) و قدرت استدلال به بهای تحلیل اشکال مختلف سازمان. انتخاب سیاست از سوی حاکمیت برای مهار فقر، می‌بایست مبنای تجزیه و تحلیل هزینه و فایده اجتماعی را از هر دو منظر مورد توجه قرار دهد. از این رو، امر تصمیم‌گیری سیاسی بدون ریسک نبوده و دولت‌ها هزینه‌های هنگفتی را در این مسیر متحمل می‌شوند.

حجم انبوه ارتشا که در برخی از کشورهای در حال توسعه به بیست تا سی درصد تولید ناخالص ملی می‌رسد، نمادی از رانت‌خواری و سرگردانی سرمایه است. بدیهی است که تبعیض در این فضا به صورتی قانون‌شکنی ظاهر می‌شود و دولت‌ها هم نمی‌توانند با اعمال قوانین و مقررات، شهروندان را با اصول جامعه مدنی آشنا سازند.

ورود فناوری‌های نوین ارتباطی نیز از سوی دیگر رقابت‌های مخرب را تشدید نموده و متاسفانه قوانین مناسب برای قیمت‌گذاری ارتباطات (Pricing Communication) در اختیار نیست و دستیابی به اصول اقتصادی مناسب چندان ساده به نظر نمی‌رسد.

تجربه‌ای نو

در راستای تغییر فضای نوین اقتصادی، تجربه ایالات متحده نشان می‌دهد که کارهای تمام‌وقت به‌شدت کاهش یافته و در مقابل کارهای نیمه‌وقت روبه‌افزایش است، در حالی که ۵۷ درصد افراد فقیر هیچگاه تجربه کارکردن نداشته‌اند، بیست‌وهشت درصد آنان کار تمام‌وقت داشته‌اند، اما تجربه کاری آنها حداکثر ۵۲ هفته بوده است، یعنی حدود یک سال؛ و تنها پانزده درصد از کسانی که کار نیمه‌وقت داشته‌اند، توانسته‌اند ۵۲ هفته تجربه کاری داشته باشند. این آمار مربوط به سال ۱۹۹۸ است. جالب توجه این که در ایالات متحده طی بیست‌وپنج سال گذشته همواره شکاف ارزش اسمی (Nominal Value) با ارزش حقیقی (Real Value) حداقل دستمزد مصوب دولت فدرال روبه‌افزایش بوده است. نکته قابل توجه در آمارهای مربوط به ایالات متحده در اواخر دهه ۱۹۹۰ حاکی از آن است که نرخ فقر (Poverty Rates) برای افراد بالای ۶۵ سال طی دو دهه گذشته به شدت کاهش یافته، اما در خصوص افراد زیر ۱۸ سال به تدریج بالا می‌رود. همچنین تعداد افراد بین سن ۶۴-۱۸ سال تقریباً ثابت مانده است.

در عمل حقوق‌بگیران با سه نوع تبعیض روبرو می‌باشند:

الف) تبعیض به خاطر عوامل غیربازار (Non market).

ب) تبعیض به خاطر عوامل قبل از بازار (Prior market).

پ) تبعیض در بازار جاری (Current market).

این عوامل وضعیت مشاغل، اشتغال و دستمزد را با نوسانات و ساختار دستمزد را با بی‌نظمی روبرو می‌سازد. مثال رایج در خصوص عوامل غیربازار، طبقه‌بندی مشاغل یا محیط‌های کاری است که توسط عوامل غیربازار تعریف می‌شود. عوامل قبل از بازار هم مانند طبقه‌بندی مراکز آموزشی - می‌باشد و در خصوص عوامل جاری در بازار هم می‌توان به روابط کارکنان با مدیریت، یا لابی‌های مدیران با کارگزاران سیاسی اشاره کرد. اما پدیده تبعیض در عمل، کارایی و بهره‌وری و اثربخشی اشتغال را کاهش می‌دهد و این نارسایی زمینه نامساعدی را برای افراد تهیدست ایجاد می‌کند. یادآور می‌شوم که بیکاران، قربانیان

شاعلان هستند*، و عدم‌درمان بیماری تبعیض "وحدت رویه" را در میان گروه‌ها و طبقات مختلف اجتماعی به مخاطره می‌افکند. این چرخش رفتاری در زمان انتخابات - اعم از ریاست‌جمهوری، یا مجلس یا شوراهای شهر - خود را به وضوح نشان می‌دهد.

توجه‌خواهیم داشت که جامعه به‌صورت یک شبکه در حال اوج‌گیری است و نمی‌توان نسبت به این تعامل شبکه‌ای بی‌تفاوت ماند (Castells/۱۹۹۶)^(۱۱). همچنین این شبکه‌ها بازارهای نو و این بازارها هم الگوهای اجتماعی - اقتصادی جدیدی را در فرایند تولید ایجاد خواهند کرد (White / ۲۰۰۲)^(۱۲).

بهمه این مسایل توجه داشته‌باشید که هنوز بحث رفتارهای عقلایی بازار موضوع موردتوجه تحلیلگران مالی است و در برخی جوامع، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه امکان روبرویی با رفتار غیرعقلایی بازار وجود دارد و لذا اصلاح ساختار بازار نیز نباید از نظر دور بماند (Rubinstein/ ۲۰۰۱)^(۱۳). بدیهی است که اینگونه تجربه‌های غنی از سایر کشورها می‌تواند درس‌های خوبی را پیش روی کشورهای در حال توسعه قرار دهد تا از نیروی کار به‌درستی استفاده کنند و بیکاری و فقر را مهار نمایند.

یک گام به جلو

در بخش‌های فوق با معانی، تعابیر و علل فقر آشنا شدیم و جایگاه بازار را از سه منظر فرهنگ خانواده، نظام‌های قانونگذار و فضای تعاملی موردبررسی قرار دادیم. نکته حائز اهمیت در این مطالعه توجه به ساختارهای اقتصادی است که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشند. عدم توجه به زیرساخت‌های فرهنگ خانواده و کم‌توجهی به زیرمجموعه‌های نظام‌های قانونی باعث شده‌اند که فضای تعاملی با مشکل روبرو شود و ساختارهای اقتصادی متمایل به تبعیض‌گرایی شوند. این نتیجه‌گیری به معنی فراموش کردن رسالت دولت یا نهاد خانواده نیست، بلکه تأکیدی است بر ضرورت همسویی نهادهای خانواده و دولت برای دستیابی به راهکاری که بتواند بیکاری، فقر و گرسنگی را حداقل مهار کند. در این رابطه تجربه موسسه گالوپ و رتبه‌بندی عوامل می‌تواند به‌طور نسبی برای سایر کشورها هم موردپذیرش قرار گیرد و توجه کنند که رویکرد اشتغال‌های پاره‌وقت در حل بحران موثر است. توجه به گروه‌های سنی که با فقر در جنگ و گریز

هستند نیز با توجه به ترکیب فعلی جمعیت، لازم است و شایسته است که سیاست‌های قابل‌قبولی را برای نجات خانواده‌های فقیر در دستور کار قرار دهیم. دولت نیز می‌تواند با ارتقای سطح کیفی خدمات و اجباری نمودن استانداردهای کیفی و کنترل و هماهنگی با نهاد خانواده، روند گسترش فقر را متوقف سازد و این تنها به مفهوم برداشتن یک گام به جلو است. ■

منابع

- ۱) مراجعه شود به فرهنگ عمید یا سایر فرهنگ‌ها و لغتنامه‌های فارسی.
- 2) Longman Advanced American Dictionary / 2000.
- 3) Weldfogel, Jane /1998/ Understanding Family Gap / Journal of Economic Perspective / pp.137-186.
- 4) Eyraud,F./1993/ Equal Pay Protection in Industrialised Market Economies: In Search of Greater Effectiveness / I.L.O.
- 5) Schiller, Bradley, R. / 2001 / The Economics of Poverty Discrimination / Prentice Hall.
- 6) Vroom Bert de / 2004 / Age - Arrangements, Age Culture & Social Citizenship: A Conceptual Framework for an Institutional & Social Analysis / (ed) Matthy Tony and / Ageing and the Transition to Retirement / Ashgate Pub.
- 7) مراجعه شود به 'درام آسیایی' اثر ارزنده گونار میردال برنده جایزه نوبل اقتصادی.
- 8) The Gallup Organization / 1999 / Social Audit - Opinion Poll.
- 9) مراجعه شود به مأخذ ۵.
- 10) Callon, M. (ed) / 1998 / The Laws of the Markets / Oxford: Blackwell.
- 11) Castells,M. / 1996 / The Rise of the Network Society / NewYork: H & R.
- 12) White, H. / 2002 / Markets from Networks; Socioeconomic Models of Production / Princeton, N.J.: Princeton Univ.Press.
- 13) Rubinstein,M./ 2001 / Rational Markets: Yes or No? The Affirmative Case / Financial Analysts Journal/ May-June 6-10.

* مراجعه شود به کتاب 'آزادسازی: برنامه‌ریزی، دموکراسی و توسعه' / ۱۳۸۵ / نشر آیدن (غلامحسن عبیری).